گزارش یک

کاربران ایرانی جزو مشتریان پروپاقرص بازی آنلاین «تراوین» به‌شمار می‌آیند

خرج کردن برای توسعه دهکده مجازی

امیر هاتفی‌نیا

اولش همه‌چیز عادی است؛ مثل تمام بازی‌های دیگر، عادت که کردی، شمشیر یا تفنگت که آدم‌ها را نکشت، برای ارتقای یک وضعیت ساعت‌ها وقت که نیاز داشتی، سرزمینت مورد غارت که قرار گرفت، برای اینکه از دیگر آدم‌های داخل بازی عقب نیفتی، مجبور می‌شوی به خرید طلا، مجبور می‌شوی به پرداخت پول؛ مثلا می‌توانی یک بسته طلای هزارو۶۰۰تایی را ۶۲/۴۹ دلار آمریکا بخری و به بازی ادامه دهی؛ اما این‌بار قهرمانانه‌تر از هر وقت دیگر، انبارهایت پر می‌شود از منابع مختلف و نیروهای پرشمار نظامی تربیت‌شده‌ات در لشکر جای می‌گیرند.

«تراوین»، نام یکی از بازی‌های آنلاین پولی است. این بازی آلمانی اولین نسخه خود را در سال ۲۰۰۴ ارایه کرد؛ تراوین جزو محبوب‌ترین بازی‌های آنلاین در دنیاست؛ بازیکنان این بازی باید به‌عنوان رییس یک دهکده کار خود را شروع کنند و با تقویت منابع مختلف و تربیت نیروی نظامی، سرزمین‌های دیگر را غارت کنند. محبوبیت این بازی بین کاربران ایرانی تا حدی بوده که دامنه‌ای با زبان فارسی برای آن ساخته شده است. تراوین جزو صدسایت پربازدید و محبوب‌ترین بازی آنلاین در ایران به‌شمار می‌آید. این بازی که زیرنظر بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای کشور و با مجوز وزارت ارشاد فعالیت می‌کرد، در اولین روز از سال ۲۰۱۳، دی‌ماه سال گذشته، از سوی کارگروه مبارزه با مصادیق محتوای مجرمانه به دلیل خروج ارز از کشور و حمایت از بازی‌سازان ایرانی فیلتر شد؛ اما تراوین، هنوز هم مشتریان ایرانی پروپاقرص خود را دارد. تا پایان سال ۲۰۱۲، سایت فارسی این بازی بیش از ۱۵۰هزار بازیکن را در خود جای داده بوده است؛ هرکدام از سرورهای این سایت هم چیزی حدود ۱۰ تا ۴۰هزار بازیکن را پشتیبانی می‌کرده‌است.

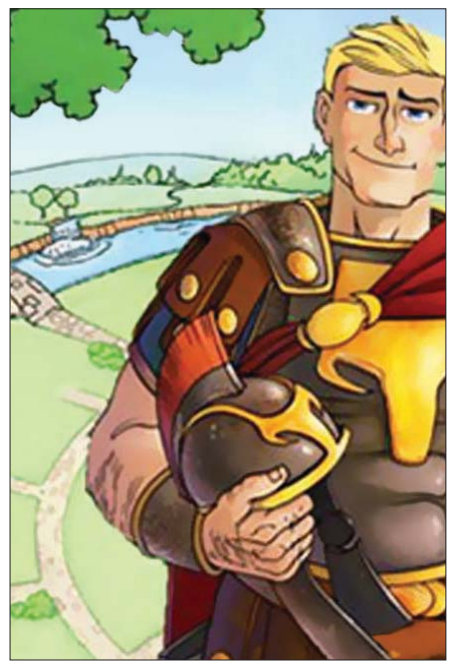

«رامتین» یکی از کاربران بازی تراوین در ایران است. او که بعد از دی‌ماه۹۱ - زمان فیلترشدن تراوین در ایران- قید این بازی را بعد از سه‌سال پیگیری مداوم زده است، می‌گوید: «بازیکن در محیط تراوین بعد از مدتی کمبودهایی را احساس می‌کند. دیگران یکسری امکانات ویژه دارند و تو هم ناخودآگاه ترغیب می‌شوی که این امتیازهای خاص را داشته باشی؛ مثلا یادم می‌آید به جایی رسیده بودم که برای توسعه ساختمان اصلی دهکده به یک‌مرحله بالاتر، چیزی حدود ۱۲۰ ثانیه وقت لازم بود و می‌شد در ازای پرداخت دو سکه طلا این ۱۲۰ثانیه را به ثانیه‌ای تبدیل کرد.» «رامتین» ۳۰ساله و مهندس کامپیوتر است. او از فیلترشدن تراوین در ایران گله می‌کند و صحبت‌هایش را اینطور ادامه می‌دهد که «قبلا به‌راحتی می‌شد از طریق حساب‌هایی که در کارت اعتباری مستر، ویزا یا پی‌پال داشتیم، اکانتمان را شارژ کنیم اما بعد از شدیدشدن تحریم‌ها، دیگر مثل قبل نمی‌شد این حساب‌ها را شارژ کرد. آی‌پی ایران را هم خیلی از سایت‌های ارایه‌دهنده بازی آنلاین بسته بودند.»

عضویت در تراوین آسان است؛ تنها با داشتن یک ایمیل می‌توان دهکده‌ای ساخت و به توسعه آن پرداخت. در ابتدای بازی، راهنمایی کمکتان می‌کند و فرمان‌هایی برای انجام به شما می‌دهد؛ فرد راهنما در ازای کامل‌کردن هرکدام از مراحل، جایزه‌ای برای شما درنظر می‌گیرد؛ ساعت‌ها می‌گذرد و ناخودآگاه در محیط تراوین غرق می‌شوید؛ حالا کم‌کم زمان توسعه منابع و ساختمان‌های دهکده افزایش پیدا می‌کند و شما که از هروقت دیگر به بازی وابسته‌تر شده‌اید، کلافه می‌شوید و در آخر تسلیم پیغام وسوسه‌انگیزی که مدام خرید سکه‌های طلا را یادآوری می‌کند، خواهید شد. شما مشتاق به‌پایان‌رساندن بازی هستید و اصلا دوست ندارید که از رقیبان حاضر در سرور عقب بیفتید و اتحاد و سرزمین‌های تسخیرکرده‌تان را از دست بدهید؛ پس باز هم دست به خرید طلا می‌زنید و این‌بار بسته باارزش‌تری را انتخاب می‌کنید.

«سهیل»، بازی‌کننده ۲۸ساله تراوین است که از سیستم اعتیادآور این بازی می‌گوید: «راهنمایی که در ابتدای بازی به شما کمک می‌کند، رفته‌رفته شما را درگیر جذابیت‌های محیط بازی می‌کند. تراوین باعث شده بود که به‌جای پرداخت شهریه دانشگاهم، به شارژ اکانت خودم و خرید طلا بپردازم؛ ما شبکه‌ای زده بودیم و همزمان در یک سرور مشخص، عضو بودیم و برای همین باهم کَل می‌انداختیم و می‌خواستیم که دیگری را شکست بدهیم و در اصطلاح تراوینی‌ها، دهکده او را غارت کنیم.» سهیل که با یادآوری پولی که در تراوین خرج کرده، خنده‌اش می‌گیرد، می‌گوید: «من چیزی حدود ۱۰میلیون‌تومان در دوتا از سرورها خرج کردم. رتبه‌ام بالا آمد و حرصم برای اینکه جزو ۱۰نفر اول بشوم بیشتر شده بود؛ بدون خرید این سکه‌ها، هرگز نمی‌شود جزو نفرات برتر بازی شد.»

به‌گفته یکی از مدیران سرورهای داخلی بازی‌های آنلاین، بازی در تراوین ربطی به سواد و میزان تحصیلات ندارد و هر کس پس از مدتی زندگی و کارکردن در تراوین، به این بازی اعتیاد پیدا می‌کند و هرروز ساعت‌های زیادی را در آن می‌گذراند. او که تمایلی برای بردن نامش در گزارش نشان نمی‌دهد، می‌گوید: «فردی را داشتیم که در همان روز اول از عضویتش در یکی از سرورها، ۹میلیون‌تومان پرداخت کرد. جالب اینجاست که او به هیچ مقامی هم نرسید و یادم می‌آید که حتی به‌دلیل رعایت‌نکردن قوانین بازی، از سرور اخراج شد.» این مدیر سرورهای بازی آنلاین، در آخر می‌گوید که «کسی را هم داشتیم که در کل عضویت هشت‌ماهه‌اش تنها ۱۰۰هزارتومان خرج کرد و درعوض، وقت بیشتری را در بازی می‌گذراند؛ خیلی‌های دیگر هم فقط دست‌گرمی بازی می‌کردند و وارد مرحله مسابقه‌ای نمی‌شدند.»

«نسترن» یکی دیگر از تراوینی‌هاست که حتی بعد از فیلترشدن این بازی در سال گذشته هم، عقب نکشیده و هنوز ساعت‌های زیادی از وقتش را در این بازی سپری می‌کند؛ او ۲۶سال دارد و در یک شرکت به‌عنوان مهندس معمار کار می‌کند؛ «نسترن» می‌گوید: «بازی تراوین به سمتی پیش رفته که می‌شود تمام امکاناتش را با پول خریداری کرد و دیگر نیازی به صرف وقت و داشتن هوش و استعداد نیست. دوسال است که تراوین بازی می‌کنم و چیزی حدود پنج‌میلیون از پولم را در این بازی خرج کرده‌ام. در نسخه اصلی تراوین، برای تهیه یکی از بسته‌های طلا باید رقمی حوالی ۶۰ دلار را پرداخت کرد.» او که از خرج‌های زیادِ درنظرگرفته‌شده برای بازی تراوین ناراحت است، اینطور صحبت‌هایش را به پایان می‌رساند که «من مجبور هستم که طلا بخرم، چون با کسانی در دنیای بازی مشغول رقابت هستم که در دنیای حقیقی رقابت می‌کنم؛ هرکدام که نیروهای نظامی و منابع بیشتری داشته باشیم، می‌توانیم دیگری را از بین ببریم و سرزمینمان را قدرتمندتر کنیم. بازی‌های آنلاینی مثل تراوین، بازی پولدارهاست چون آنها می‌توانند با خرید طلا فورا سرزمینشان را توسعه دهند و بدون هراس وارد مرحله مسابقه‌ای شوند؛ خرید طلا به قدرت خریداران اضافه می‌کند و باعث ضعیف‌شدن دیگر کاربران می‌شود؛ هیچ نفر برتری را پیدا نمی‌کنید که بدون خرج‌های میلیونی، توانسته باشد رتبه اول را در سرور مشخصی کسب کرده باشد؛ تراوین، بازی پولدارهاست؛ پولدارها.»

۱۲۰ ثانیه

زمان لازم برای توسعه یکی از وضعیت‌های ساختمان‌های موجود در تراوین در مرحله مشخصی از بازی با پول

۱۵۰ هزار

سایت فارسی بازی تراوین بیش از ۱۵۰هزار بازیکن را در خود جای داده بود تا اینکه سال گذشته فیلتر شد

«تراوین»، نام یکی از بازی‌های آنلاین پولی است. این بازی آلمانی اولین نسخه خود را در سال ۲۰۰۴ ارایه کرد؛ تراوین جزو محبوب‌ترین بازی‌های آنلاین در دنیاست؛ بازیکنان این بازی باید به‌عنوان رییس یک دهکده کار خود را شروع کنند و با تقویت منابع مختلف و تربیت نیروی نظامی، سرزمین‌های دیگر را غارت کنند. محبوبیت این بازی بین کاربران ایرانی تا حدی بوده که دامنه‌ای با زبان فارسی برای آن ساخته شده است. تراوین جزو صدسایت پربازدید و محبوب‌ترین بازی آنلاین در ایران به‌شمار می‌آید. این بازی قبلا زیرنظر بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای کشور و با مجوز وزارت ارشاد فعالیت می‌کرد اما فیلتر شد.

۶۲/۴۹ دلار

قیمت یکی از بسته‌های طلای بازی تراوین که گرانتر از بقیه بسته‌هاست

۱۰ میلیون تومان

سهیل ۲۸ ساله حدود ۱۰ میلیون تومان برای بازی تراوین خرج کرده است

گزارشگر «شرق» در همه جای ایران باشید

سوژه‌ها و گزارش‌های خود را برای ما به ایمیل sharghline@sharghdaily.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۴۶۹۹ پیامک بزنید یا با ۸۸۶۴۰۲۶۰ تماس بگیرید.
«شرق» با کمک شما خواندنی‌تر می‌شود.

گزارش دو

بیش از یک سال از افتتاح موزه زندان قصر گذشت

باغ، قصر یا زندان؟

مهسا جزینی

پنج‌هزارتومان ورودیه باغ موزه‌ای است که زمانی قصر بود و بعد هم زندان اما حالا شباهتی به هیچ‌کدامشان ندارد. آنچه «مارکوف» روسی روی بقایای قصر قجر در سال ۱۳۰۸ بنا کرد، ۱۹۲ سلول انفرادی و جمعی با گنجایش ۸۰۰نفر داشت که به نخستین زندان مدرن ایران و شاید تاریخی‌ترینش به مدت بیش از ۸۰ سال، بدل شد؛ تا جایی که «بزرگ علوی» از گروه ۵۳نفر درباره‌اش گفته است: «دیوارها و حیاط‌های این زندان قصر چیزها دیده‌اند. در دل این سلول‌ها اسرار تاریخ ایران پنهان است. اینها تیمورتاش را دیده‌اند که زانوی غم در آغوش داشته و مثل پیرزن‌ها گریه کرده است. اینها علی‌مردان‌خان بختیاری را دیده‌اند. اینها عزت‌الله دلیر را دیده‌اند که روزی توانست بر خود اینها یعنی دیوارهای تنومند و عظیم غلبه کند و از زندان فرار کند. همین عزت‌الله با دست و پای زنجیرشده با یک بشقاب شکسته زمین را به عمق یک متر و بلکه بیشتر حفر کرده و می‌کوشیده در پنهان و از زیر بر آنها یعنی دیوارهای سرد و مرطوب غلبه کند. این دیوارهای قصر دیده‌اند که چگونه دکتر ارانی و دلاوران دیگر که با او در مبارزه شریک بوده‌اند و پس از چند روز گرسنگی، با سیصد ضربه شلاق روزه سیاسی خود را شکسته‌اند. اینها مرگ جوان ساده‌لوحی چون جهانسوزی را به چشم دیده‌اند و دم نزده‌اند. این دیوارهای قصر مجسمه کامل ملت ایران هستند مصایبی تحمل کرده و دم نزده‌اند.»

اما آنچه شهرداری تهران بعد از تعطیلی زندان و بازسازی در معرض دید بازدیدکننده قرار داده است، کمتر شباهتی به یک زندان با کمترین تعلق به گذشته تاریخی‌اش دارد. دست‌اندازی‌ها و تخریب‌ها، تقریبا چیزی از «تاریخ قصر» به‌جا نگذاشته به جز یک سازه. شبیه‌سازی‌ها هم با کمترین میزان خلاقیت و بیشترین میزان جابه‌جایی انجام شده است. زندان قصر حالا بیشتر شبیک شده است تا موزه. قصر در گذشته شامل زندان عمومی یا شماره یک، زندان شماره دو، سه و چهار، بهداری و دارالتادیب بوده که به مرور زمان، کاربری بخش‌هایی از آن تغییر یافت. مثلا دارالتادیب که بعدها به کانون اصلاح و تربیت تغییر نام داد، به مکانی دیگر انتقال داده شد و زندان شماره دو که در دهه۳۰ محل نگهداری افسران حزب توده بود، بعدها در دهه ۴۰ و ۵۰ به زندان محل نگهداری معتادان اختصاص یافت. زندان عمومی همان ساختمان اصلی زندان و نقشه آن شبیه چلیپای شکسته با چهار دالان است که توسط چهارهشتی به شکل مربع در وسط به هم متصل می‌شود. در ابتدای بخشی که «پهلوی اول» نام گرفته، مجسمه مومی دو ژاندارم با لباس و کلاه آبی و سبیل مخصوص قرار دارد و بعد، سلول‌هایی که کنار یکی از آنها تابلویی با عنوان «۵۳»نفر بدون هیچ توضیحی، تصویری یا مجسمه‌ای یا حتی نوشته‌ای از آنچه بر اینان رفته، در معرض مشاهده بازدیدکننده قرار گرفته است. تنها یادمان متفاوت و کمی مفصل‌تر از دربندان دوره پهلوی اول، مربوط است به فرخی یزدی. بخش قابل توجه و متمایز زندان، تصاویر اسناد مکاتبات درون و برون اداری زندان قصر است. البته به نظر می‌رسد در گزینش این اسناد هم گاه سلیقه دخیل بوده و هست. اما یکی از جالب‌ترین بخش‌های موزه آنجایی است که بازدیدکننده صدای آواز پرسوزوگداز یک زندانی را می‌شنود؛ در بخشی که تحت‌عنوان دوران «پهلوی دوم» احیا شده است. در مقابل یکی از سلول‌ها، صدایی پخش می‌شود که زمانی زندانبانی از زندانی خودش ضبط کرده است. همین‌طور، در این قسمت تصاویری از قدیمی‌ترین زندانیان زمان شاه مانند صفر قهرمانیان و محمدعلی عمویی قرار داده شده است. اگرچه سندیت تاریخی آن به لحاظ مکان مورد تردید است چون زندانیان سیاسی محبوس در زندان قصر در آن زمان، در ساختمان اصلی، ساختمان سیمانی پشت آن، نگهداری می‌شدند. در نهایت، آنچه بازدیدکننده پرسشگر در باغ موزه قصر با آن روبه‌رو می‌شود، بیشتر شبیه تکه‌های بریده‌شده است که نه یک روایت کلی به نام تاریخ زندان قصر و گاهی ارتباطی به تاریخ مکان نیز ندارد. برای نمونه، فرمان مشروطیت با صدای ضبط‌شده مظفرالدین‌شاه که معلوم نیست چه ربطی به تاریخ زندان قصر دارد یا تابلوهای نقاشی و سازه‌های نمادین حجمی در حیاط موزه که می‌توانسته هر کجا باشد. محمد بسته‌نگار، زندانی سیاسی ملی- مذهبی قبل از انقلاب، در یادآوری خاطراتش از زندان قصر گفته است: «وقتی دست خانواده و زن و بچه خود را گرفتم تا مثلا مکان زندان سابق خودشان را نشان‌شان بدهم، آنچه دیدم کمتر شباهتی به آنچه بود داشت.» بسته‌نگار می‌گوید که کل زندان شماره سه و چهار که در دهه ۴۰ و ۵۰ به زندانیان سیاسی اختصاص داشت تخریب شده است.

دیوارها و حیاط‌های این زندان قصر چیزها دیده‌اند. در دل این سلول‌ها اسرار تاریخ ایران پنهان است. اینها تیمورتاش را دیده‌اند که زانوی غم در آغوش داشته و مثل پیرزن‌ها گریه کرده است. اینها علی‌مردان‌خان بختیاری را دیده‌اند. اینها عزت‌الله دلیر را دیده‌اند که روزی توانست بر خود اینها یعنی دیوارهای تنومند و عظیم غلبه کند و از زندان فرار کند

اصغر کورونگی، رییس وقت زندان قصر در آن دهه، هم معتقد است که آنچه اکنون به‌عنوان موزه زندان سیاسی در قسمت شرقی باغ موزه به مراجعان نشان داده می‌شود، زندان شماره دو بوده که در دهه ۳۰ در اختیار ارتش قرار داشته و افسران توده‌ای در آنجا نگهداری می‌شدند اما بعدها که در اختیار شهربانی قرار می‌گیرد، به بند معتادان تبدیل می‌شود. این در حالی است که در بازسازی موزه عکس برخی زندانیان سیاسی را جلو ورودی آن زده‌اند و در مواجهه بازدیدکننده با این بخش زندان، اینگونه به نظر می‌رسد که گویا اینجا قبلا زندان سیاسی بوده است. ورودی این بخش به عکس‌های بخشی از زندانیان سیاسی آن زمان مزین شده؛ اگرچه در این بخش هم سعی شده که به نوعی فضای مخوف زندان سیاسی احیا شود، مانند صداهای بازسازی‌شده از شکنجه زندانی و فریادهای نگهبان. اتاق ملاقات هم به نظر می‌رسد به همان صورت قبل احیا شده است؛ شامل دو ردیف راهرو با پنجره‌های میله‌ای مقابل هم که زندانی‌ها و خانواده‌هایشان روبه‌روی هم می‌نشستند و صحبت می‌کردند و صداها اما در هم می‌پیچید و همهمه ایجاد می‌شد. این شکل از ملاقات، مربوط به زمانی است که هنوز کابین و تلفن وارد زندان نشده بود و ملاقات‌ها تقریبا همگانی بود.

بزرگ علوی در جای دیگر از خاطراتش از قصر می‌نویسد: «زندان قصر جای مخوفی است. دیوارهای عظیم و متعددی که کریدورهای زندان را احاطه کرده، در تازه‌وارد چنین تاثیر می‌کند که گویی کسی که به دام افتاد، دیگر هرگز آزاد نخواهد شد... جای مرموزی است این زندان قصر ولی در عین حال پیچ و مهره آن ساده و انعکاس کامل زندگانی ملت ایران است. کسانی که پیش از من در زندان قصر بوده‌اند نیز نتوانسته‌اند اسرار این دخمه مرگ را کشف کنند. زندان قصر یعنی خانه اسرار و کاشف این اسرار، فقط ملت ایران است که باید روزی این پرونده‌های جنایت را مورد دقت و بازرسی قرار دهد ببیند که چندنفر در سال وارد این خانه مرگ شده‌اند و چندنفر در سال از بی‌غذایی و گرسنگی و بیماری مرده‌اند و به چه دلیل باید این بوده باشد.» حالا که زندان باز شده، کمتر می‌توان آنچه را که «آقا بزرگ» می‌خواسته، از آن فهمید.

زندانیان مشهور در بند قصر

پهلوی اول: محمد درگاهی که نخستین رییس تامینات بود و اتفاقا رییس خود زندان قصر، اعضای حزب کمونیست مانند جعفر پیشه‌وری و اردشیر آوانسیان، تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز، فرخی‌یزدی، علی دشتی، زین‌العابدین رهنما، ناصرخان رییس ایل قشقایی، مشیر همایون شهردار تهران، گروه ۵۳نفر مانند تقی ارانی، بزرگ علوی، ایرج اسکندری، انور خامه‌ای و...

پهلوی دوم: اعضای شبکه افسران حزب توده، محمدعلی عمویی، نواب صفوی، وارطان سالاخانیان، علی‌محمد افغانی، احمد شاملو، احمدمحمود، مهدی اخوان‌ثالث، محمود دولت‌آبادی، خلیلی ملکی، حسین فاطمی، مهندس بازرگان، دکتر شیبانی، آیت‌الله طالقانی، یدالله و عزت‌الله سحابی، مرتضی مطهری، دکتر توسلی و محمد بسته‌نگار، احمد آرامش رییس سابق سازمان برنامه و بودجه، محمود اعتمادزاده (به‌آذین)، بخارایی، هاشم امانی، مهدی عراقی که از اعضای فداییان بودند ناطق‌نوری، هاشمی‌رفسنجانی و آیت‌الله منتظری، کاظم بجنوردی، ابوالقاسم سرحدی‌زاده، محمدجواد حجتی‌کرمانی، حبیب‌الله عسگراولادی، محمدمهدی جعفری، حبیب‌الله پیمان، کاظم سامی، جعفر شجونی و پرویز نیکخواه.

جدول ۱۸۸۲

افقی:
۱- یار میز- شرکت هواپیمایی ملی آرژانتین- ۲- پیدا نشدنی- شرمنده و رسوا- گاو آهن ۳- خوشگذرانی- عنصر شیمیایی نافلز که از ترکیبات آن برای تهیه کود استفاده می‌شود- دندان‌شوی ۴- یگان نظامی شامل چند گردان- ظرفی برای شستشو- دعای زیر لب- ظاهر ساختمان ۵- در ذهن کسی فکر یا احساسی را به وجود آوردن- دیو شاهنامه- خیس و مرطوب ۶- تردید و دودلی- لباس نیم‌تنه مردانه زمستانی که معمولا روی لباس‌های دیگر می‌پوشند- مرفق ۷- آنچه می‌روید- کفش چرمی پاشنه نخواب قدیمی- واحد ورزش بوکس ۸- ذره سرگردان- گیاهی که از آن لیف درست می‌کنند- پدر بزرگ ۹- جوانمردی- نام اختصاری سازمان جهانی مالکیت معنوی- کامیون دارای یدک‌کش باری ۱۰- تکاور- ضرب شمشیر- چه کسی و چه‌وقت؟ ۱۱- سطح چیزی- خبرنامه- انسان‌ها و آدمیان ۱۲- رنگ سفید با مایه‌ای از زرد کم‌رنگ- چیز- نوعی دسر محتوی قطعات میوه با پوششی از ژله یا شکلات- آزاد ۱۳- آشفتگی ذهنی ناشی از نگرانی- صفت گربه- سهل و ساده ۱۴- بلند مرتبه- کرانه- خردل ۱۵- جعلی و دارای ویژگی نامرسوم- موم معدنی.

عمودی
۱- از دانشگاه‌های معتبر کشور که در سال ۱۳۴۴ به دست دکتر «محمدعلی مجتهدی گیلانی» تاسیس شد- راست روده ۲- فاقد ورزیدگی و تجربه عملی- لباس- نامی برای قُمری ۳- دارای پایداری زیاد- کوره پخت نان- تولیدکننده ۴- بت بی‌سر و پا! - گودال- جزایر کوچک و بزرگ خلیج‌فارس- دوست و رفیق ۵- تیر پیکاندار- سال‌نما- غلیان ۶- نیروی وارد بر واحد سطح- فرودگاه قدیمی پاریس- نور اندک ۷- چاپ گردان- در مثل بهتر از هیچی است! - مراقبت و پرستاری از بیمار ۸- فدراسیون جهانی دو و میدانی- آلکالوئید سمی که از گیاه شابیزک می‌گیرند و برای تسکین اسپاسم‌ها به‌کار می‌رود- گور ۹- وسیله‌ای چرخدار برای کمک به راه رفتن کودک نوپا- یاخته- فلکه ۱۰- گشاده- معادل فارسی گلن‌گدن- تماس یافته ۱۱- برقراهه- نوعی دستگاه بازی کامپیوتری قدیمی- عزیز تازی ۱۲- گل نومیدی! - لوس- زرنگ و حیله‌گر- غزال ۱۳- گاز لامپ- آدمکش- متداول ۱۴- از اصول دین- کبودی اندک روی پوست- سگ بیمار ۱۵- عنوان احترام‌آمیز برای نظامیان از سرهنگ به پایین- کتابی از «آنتوان چخوف» روس.

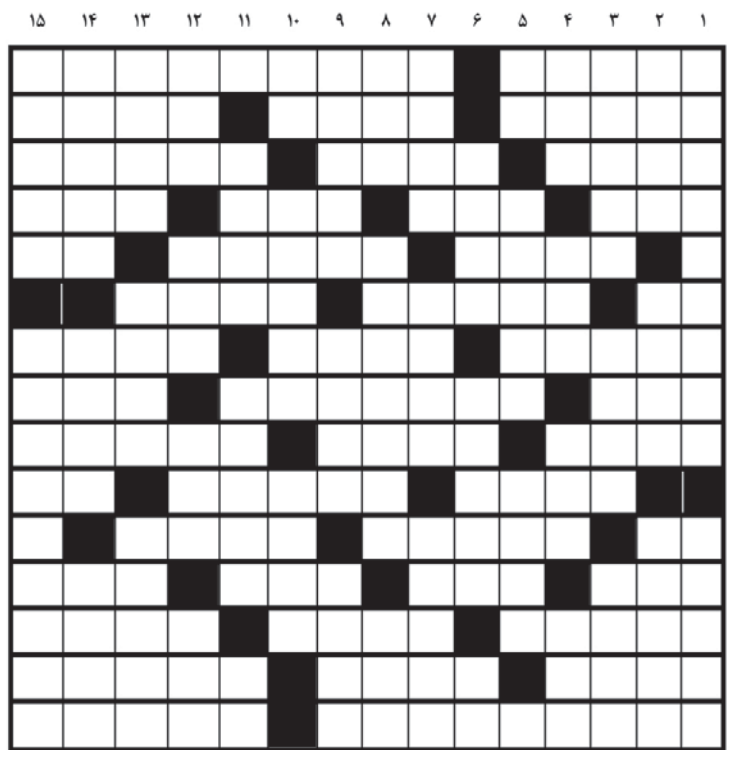

حل سودوکو سخت

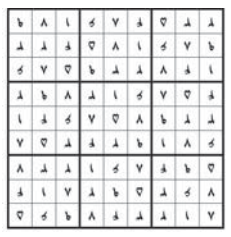

حل سودوکو ۸۸۴

جدول ۱۸۸۱

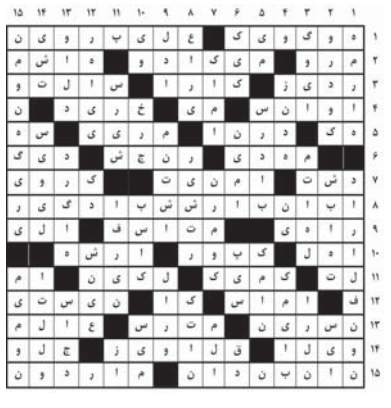

سودوکو سخت ۵۳۴

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

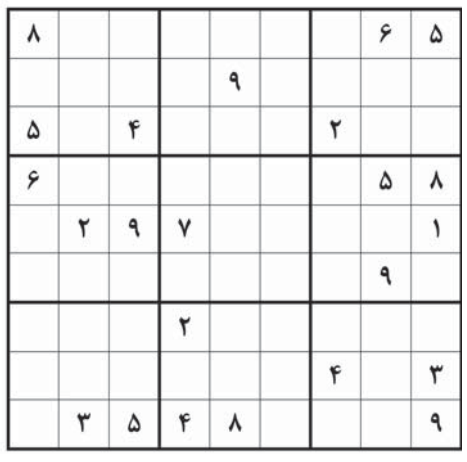

سودوکو ۸۸۵
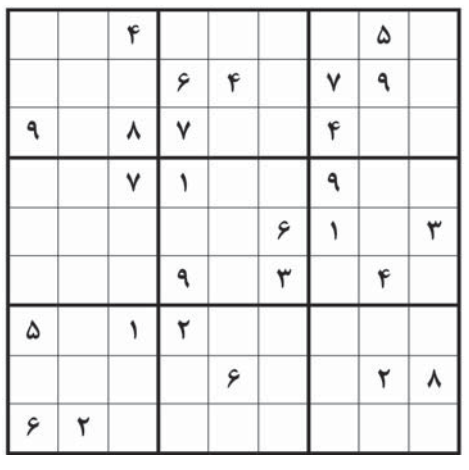
سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.